

من فقط آرزوی دیدن رویت دارم  
جرعه باده نابی ز سبویت دارم  
هوس خلوت دیدار به کویت دارم  
حسرت نامه و پیغام ز سبویت دارم  
\*

تو فقط آرزوی دیدن رویم داری  
جرعه باده نابی ز سبویم داری  
هوس خلوت دیدار به کویم داری  
حسرت نامه و پیغام ز سبویم داری  
\*

چنگ بر پرده احساس بزن  
که حقیقت این است  
من اگر بار دگر باز تو را می دیدم  
دلم آسوده نبود  
تو اگر بار دگر باز مرا می دیدی  
دلت آسوده نبود  
\*

بازی گنگ و غریبی ست

میان من و تو  
و شیاری که مرا برده به اعماق سکوت  
و تو گفتی که هنوز  
نیست در وادی احساس و شعور  
جای این بازی گنگ

\*

باید از وسوسه ها دور شویم  
زندگی سخت و نفس گیر شده ست  
مثل یک حادثه تلخ بزرگ  
جمعه دلگیر شده ست

\*

و من از ورطه پاییزی هوش  
نفسم بوی زدامت می داد  
و تو با این همه تکرار کنون  
سخت بوی سخاوت می داد

\*

سخت جذبه جادویی داشت  
و نگاهت که مرا

برده تا چشمه عشق

\*

بازی گنگ و غریبی ست

میان من و تو

\*

من به تو می گویم  
نیست در وادی احساس و شعور  
جای این بازی گنگ

\*

باید از وسوسه ها دور شویم  
زندگی سخت و نفس گیر شده ست  
مثل یک حادثه تلخ بزرگ  
جمعه دلگیر شده ست

\*

و تو از ورطه پاییزی هوش  
نفست بوی زدامت می داد  
و من از این همه تکرار کنون  
سخنم بوی سخاوت می داد

\*

سخنم جذبه جادویی داشت  
و نگاهم که تو را  
برده تا چشمه عشق

\*

بازی گنگ و غریبی ست  
میان من و تو

\*

دلم آما ده دیدار خداست  
بخدا خسته شدم

زین تبهکاری عشق

بازی گنگ و غریبی که میان من و توست

...